فـــرارو

## فصل تازه هجمه به رئیس‌جمهور سابق

**آرمان ملی – یاسمین طالقانی:** صد رحمت به زمان روحانی! این روزها برخی از افراد جامعه با مشاهده گرانی‌ها این جمله را تکرار می‌کنند و سبب نارضایتی آنانی می‌شوند که علیه دولت روحانی تبلیغ می‌کردند. شاید همین موضوع سبب شده که باردیگر هجمه‌های جدید به روحانی آغاز شود و عملکردش به زیرسوال برود. علی حسینی، امام جمعه نسیم‌شهر که در خطبه‌های نمازجمعه گذشته این شهر، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری سابق را پدر داعش خطاب کرده بود، در جلسه شورای اداری شهرستان بهارستان گفت: به من پیام دادند که گفتید روحانی پدر داعش بود، آمریکایی‌ها پدر داعش بودند. اما ما می‌توانیم بگوییم حسن روحانی برادر داعش بود، باید انصاف را رعایت کنیم! به گزارش پیام گلستان، او با اشاره به تعطیلی مدارس و نمازهای جمعه در ایام شیوع کرونا اظهارداشت: روزی ۷۰۰ نفر براثر کرونا می‌مردند، ولی روحانی دستش را بر ریش خود می‌کشید و می‌گفت تا برجام «یک» و «دو» امضا نشود، به ما واکسن نمی‌دهند. ولی آیت‌ا... رئیسی میلیون‌ها دوز واکسن وارد کرد و میلیون‌ها دوز تولید کرد و میلیون‌ها دوز صادر کرد. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که حسن روحانی بر لزوم مبارزه با داعش تاکید داشت و می‌گفت: «گروه تروریستی داعش همچنان یک خطر مهم امنیتی در منطقه به شمار می‌رود» و نابودی داعش را به سردار سلیمانی تبریک گفت.

**چرا روحانی سکوت کرد؟**

شاید خشم آنها به موضوعی بازگردد که عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلبان به آن اشاره دارد. در جریان اعتراضات اخیر از بزرگان و شخصیت‌های مطرح خواسته شد در آرام‌سازی شرایط تلاش کنند که روحانی ترجیح داد وارد ماجرا نشود، چرا که شاید ورود او به این موضوع سبب افزایش اعتراضات می‌شد. علی باقری در تحلیل این سکوت می‌گوید: «وقتی به حسن روحانی بعداز پایان ریاست‌جمهوری نگاه می‌کنیم، مشخص است که آقای روحانی در ۱۴ ماه گذشته، دو الی سه مورد موضع‌گیری کرده است و ایشان هم در این فاز و نوع رفتار در یک‌سال گذشته بوده است. اینکه در این حادثه هم نوع مواجهه متفاوتی نداشته و سکوت کرده، موضوع عجیبی نیست و ادامه همان روند قبل است.» اما در ماجرای شاهچراغ حسن روحانی با تاکید براینکه جنایت رخ داد در حرم شاهچراغ نباید شکاف در ملت ایران ایجاد کند، اظهارکرد: «هدف از این قبیل اقدامات غیرانسانی، تهدید امنیت و آرامش مردم است؛ امنیتی که ثمره خون شهدای والامقام دفاع مقدس و شهیدان راه عزت و استقلال ملت ایران است. امنیتی که حافظ جان و ناموس همه مردم ایران، از شیعه و سنی و همه اقوام ایران است. هر نوع خدشه به این اصل مهم و حیاتی می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای تمامیت ارضی و استقلال ایران به بار آورد.» عباس عبدی نوشته است: «نواصول‌گرایان نوبر سیاسی هستند. هر چه توانستند علیه روحانی گفتند و مأمور MI۶ هم او را معرفی کردند حالا انتظار دارند که بیاید وسط، علیه معترضان سخن بگوید.»

**دوست و دشمن به روحانی زدند**

روزنامه جوان مدعی شد: آقای روحانی در زمان ریاست‌جمهوری خود حتی احترام قانون اساسی را که به آن قسم خورده بود و باید در سیاست‌های کلی از رهبری نظام تبعیت می‌کرد، نگاه نمی‌داشت. در یک مقطع زمانی بلافاصله بعد از هر سخنرانی رهبری، سخنانی بر زبان می‌آورد که نقیض سخن رهبری بود. درمورد دیگری الیاس نادران، نماینده مجلس مدعی شده بود: «مسائل اقتصادی و وضعیت اسفبار معیشتی عامه مردم شکاف‌های درآمدی و منفی شدن رشد تولید ناخالص ملی، تورم افسارگسیخته در سال‌های اخیر و متأسفانه رهاکردن امور کشور توسط دولت قبل بورس را نابود، ارزش پول ملی را تنزل و نظامات توزیع و تولید و بانک، پول، ارز و تجارت خارجی را تخریب کرد.» نکته قابل تامل آنجاست که حامیان دیروز روحانی هم به منتقدان او تبدیل شده‌اند: «زیباکلام، فعال سیاسی با انتشار توئیتی نوشت: جناب روحانی خوب شد تیم‌ملی ایران برد که جنابعالی با پیام پیروزی سکوتتان را بشکنید. والا در قبال اعتراضات اخیر آنچنان سکوت کرده‌اید که هیچ نقشی در وضعیت امروز نداشتید. کمترین گناه شما پشت‌کردن به مطالبات ۲۴ میلیون رای‌دهنده بود.»

با کاهش نسبی اعتراضات در کشور

# سرو کله اتهام‌زنندگان به اصلاحات پیدا شد!

**هراس تندروها از منصرف شدن «خاتمی» کاملا مشهود است**

**آرمان ملی – مطهره شفیعی:** به‌نظر می‌رسد که میزان اعتراضات در کشور در حال کاهش است و مسئولان و صاحبنظران در اندیشه مدیریت بخش‌های مختلف پس از پایان اعتراضات هستند. در انتخابات اخیر به برخی جریانات ثابت شد که جایگاه چندانی در میان مردم ندارند و البته پیش‌تر هم چنین بود. جریان مورد اشاره موفقیت و نه مقبولیت خود را در تخریب رقیب می‌داند و از هر فرصتی برای اتهام‌زنی استفاده می‌کند مانند روزهای اخیر که با آرام‌شدن نسبی فضای کشور لب‌هایشان به سخن گفتن باز شد و دست‌هایشان به نوشتن گزارش علیه اصلاح‌طلبان جان گرفت!

**نگران از انصراف خاتمی**

آنچه این روزها سبب نگرانی این جریان شده، اعلام انصراف خاتمی از کناره‌گیری از سیاست است. روزگذشته سایت دلواپس مشرق گزارشی منتشر کرد که نمایانگر این نگرانی در طیف اصولگرایی است. در این گزارش تلاش شده تا به مخاطب چنین القا کند که اصلاح‌طلبان دارای اختلافات زیادی با خاتمی هستند به‌عنوان نمونه آوردند: «شلیک آخر به خاتمی در انتخابات سال ۱۴۰۰ شکل گرفت، او تحت‌فشار شدید جبهه اصلاحات (که این بار ناسانام داشت) قرارگرفته تا از یکی از مدیران بی‌کیفیت روحانی در انتخابات حمایت کند، خاتمی این بار حاضر نبود ته‌مانده اعتبار سیاسی خود را خرج کرده و با پرکردن ویدئو به صحنه وارد شود. در آن روزها بهزاد نبوی، چریک پیر اصلاحات با هماهنگی با حزب لیبرال کارگزاران سازندگی مدام زیرگوش خاتمی می‌خواندند که همتی به‌اندازه کافی رأی داشته و می‌توان به‌سادگی انتخابات را دومرحله‌ای کرد، در برابر آن برخی از اعضای هسته سخت اصلاحات چون تاج‌زاده؛ صفایی فراهانی و علوی‌تبار و نیز برخی اعضای مرکز مطالعات استراتژیک دفتر روحانی به خاتمی هشدار داده بودند که وارد این صحنه غیرقابل‌پیش‌بینی در انتخابات نشود. این شکست سخت باعث شد تا خاتمی این بار تصمیم بگیرد برای همیشه اعلام بازنشستگی سیاسی کند؛ این اتفاق دو دلیل مهم داشت. اختلافات شدید میان اصلاح‌طلبان در تعیین مرزهای سیاسی و نیز از دست دادن اعتبار اجتماعی باعث شد خاتمی پس از ۲۲ سال را تصمیم خود در وزارت کشور را نهایی کرده و اعلام بازنشستگی سیاسی کند. اما عاقلان و خبرگان سیاسی می‌دانستند که این رفتن خاتمی؛ بازهم آمدنی دارد و او مردی نیست که حرفش یک‌کلام باشد! اعتبار این سخن چند ماهی بعد مشخص شد. هم‌زمان با بروز برخی اغتشاشات محله‌محور با هدایت میدانی منافقین در داخل و گرای آمریکایی‌ها در خارج باردیگر خاتمی به صحنه آمد. اعلام مرگ اصلاحات به معنای مرگ سیاسی خاتمی هم بود! از نظر هسته سخت اصلاحات ادامه حیات سیاسی برای چپ‌ها تنها در رادیکالیسم معنا شده و خاتمی مرد چنین میدانی برای اصلاح‌طلبان نبود. ازاین‌رو جناح چپ باید سانترالیستی شده و رهبری خنثی در آن تغییر کند، این تغییر وضعیت بی‌شباهت به پاکسازی‌های تقی شهرام در سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۳ نبود، تقی شهرام از دل سازمان مجاهدین (منافقین) یک گروه رادیکال‌تر و البته پراکسیسی ساخت که به‌شدت تصفیه سیاسی شده بود.» این سایت چندی قبل هم مدعی شده بود: «روزنامه کیهان در ستون اخبار ویژه وخود نوشت: در این زمینه عباس آخوندی- چهره سیاست‌بازی که به نابودی بازار مسکن و تورم بیش از ۷۰۰ درصدی این بخش شناخته می‌شود- در توئیتر نوشت: «اینک زمانی است که به این پیروزی تیم‌ملی و به منظور آشتی ملی و شادی دل مردم ایران، تمام زندانیان حوادث اخیر و تمام زندانیان سیاسی بی‌قید و شرط آزاد شوند. اشرافیت غربگرا که تا آخرین روزها پای حمایت از اشرار اغتشاشگر ایستاده بود و به شرارت تشجیع می‌کرد، اکنون که نقشه آشوب به شکست انجامید، ادبیات خود را عوض کرده و خواستار آزادی کامل همه بازداشتی‌ها شده‌اند.»

**لزوم برخورد با اتهامات**

اتهام‌زنی بخش لاینفک عملکرد رقیب اصلاحات است و جالب آنجاست که برخوردی با آنها صورت نمی‌گیرد به‌عنوان مثال بارها در گزارش مشرق عملکرد اصلاح‌طلبان تشبیه به منافقین شده است! یا در پایان این گزارش آمده است: «این روزها هشدارهای مکرر اصلاح‌طلبان درباره وضعیت دیپلماسی کشور با تکیه‌بر فرجام برجام و اولتیماتوم شورای حکام پیامی روشن برای آمریکایی‌ها دارد، با این مضمون که برای پیداکردن لیدر اغتشاشات به نیروهای برانداز درخارج از کشور تکیه نکن؛ در محله جماران یک سیاست‌مدار بازنشسته برای شما نوربالا می‌زند.»

**امتیاز هجمه به اصلاح‌طلبان**

رسانه‌های اصولگرا به‌صورت همسو به اصلاح‌طلبان هجمه بردند و محدود به مشرق نبود، چنانکه کیهان نوشته بود: «افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی، از متهمان اصلی شکاف‌افکنی و دوقطبی‌سازی و سرخورده کردن مردم هستند. طبیعی بود که خروجی انبوهی از این سوءتدبیرها و خسارت‌ها و کارشکنی‌ها، انزجار قاطبه مردم از مدعیان اصلاحات باشد و مثلا در انتخابات سال گذشته با وجود حمایت خاتمی و ۱۶ حزب اصلاح‌طلب از آقای همتی، فقط دو میلیون و ۴۴۳ هزار نفر رغبت کنند که رای به تمدید ائتلاف مدعیان اعتدال و اصلاحات بدهند. اما افراطیون مدعی اصلاحات مانند همیشه به جای اعتراف به افق تاریک پیش روی خود، سعی کردند افق پیش روی مردم را سیاه نشان بدهند.» برخی که در ظاهر خود را جدا از جریان تندری اصولگرایی می‌دانند هم برای عقب نماندن از قافله تخریب اصلاح‌طلبان گزارش‌هایی منتشر می‌کنند که محتوای سطح دارد مانند «فردا» که نوشته است: «در پی حوادث اخیر سیاسی در کشور اصلاح‌طلبان فرصت را مناسب دیدند تا از طریق همدلی با آنچه در خیابان‌ها رخ می‌دهد ضمن آنکه خاطره کارنامه عملکرد خود را در ذهن مردم کمرنگ سازند، بتوانند چهره خود را در افکار عمومی بازسازی کنند. جریان اصلاحات بدون آنکه ایده مشخص و طرح تازه‌ای در چنته داشته باشد با تکرار حرف‌های کلی و حرکت در میان دوقطبی‌ها سعی می‌کند خود را به عنوان بدیل براندازان جلوه دهد. طرفه آنکه آنها همچنان مردمی را مردم می‌دانند که طبق میل اصلاح‌طلبان نظر بدهند.»

«آرمان ملی» نوع رویکرد مسئولان به مساله گفت‌وگو را بررسی می‌کند:

## به وقت گفت‌وگو

**از گعده باهنر؛ ضرغامی و عارف تا نشست‌های مسئولان**

**عزت‌ا... ضرغامی: جلسات روسای قوا با جریان‌های سیاسی در نزدیکی افکار مفید است**

**آرمان ملی- حمید شجاعی:** شاید زمانی که رئیس قوه قضائیه از لزوم ایجاد باب گفت‌وگو در جامعه صحبت کرد بسیاری نسبت به این گفته موضع گرفتند و آن را هم مصداق وعده‌های غیرعملی خواندند؛ اما دیدارهای اخیر روسای قوا با اشخاص و مجموعه‌های مشخصی از جریان‌های سیاسی، استادان دانشگاه و حتی بعضا دانشجویان نشان از این امر مهم دارد که به واقع مسئولان چنین رویکردی در پیش گرفته‌اند. حال اینکه هنوز مشخص نیست که نشست‌های مسئولان با جمع‌های مختلف تا چه اندازه نتیجه‌بخش خواهد بود، اما در نوع خود می‌تواند گامی رو به جلو و مثبت تلقی شود و فضا را برای گسترش فضای گفت‌وگو و مفاهمه در سطوح مختلف جامعه بازتر کند.

**از حرف تا عمل**

تاکنون و در مقاطع مختلف بسیار در باب گفت‌وگو و مفاهمه سخن به میان آمده است و از مقامات مختلف گرفته تا چهره‌های سیاسی قاطبه افراد از این مساله حمایت کرده و نقطه نظرات خود را نیز بیان داشته‌اند. این در حالی است که اگر نگاهی به رویکردها و نظرات طی دو ماه اخیر داشته باشیم پر واضح می‌بینیم که تمامی گفته‌ها صرفا در عرصه تئوری و نظری تبلور داشته و هنوز چندان اجرایی و عملیاتی نشده است. چه اینکه حتی وقتی سخن از کرسی‌های آزاداندیشی که در سال‌های پیش از این نیز مطرح شده بود به میان می‌آید این مساله که خاستگاه آن دانشگاه است نیز نتوانسته به طور تمام و کمال اجرایی شود و همواره با کاستی‌ها و نقصان‌هایی مواجه بوده است. به همین جهت به‌نظر می‌رسد که ابتدا باید چند پرسش طرح کنیم و بر مبنای پاسخ‌هایی که بدان‌ها داده می‌شود چارچوب کلی گفت‌وگو را پیدا کنیم. نخست اینکه؛ اساسا برای چه قرار است گفت‌وگو کنیم؟ دوم اینکه؛ گفت‌وگو با چه کسی صورت گیرد؟ و در نهایت سوم اینکه؛ بناست که از این گفت‌وگوها به چه هدف و نتیجه‌ای دست پیدا کنیم؟ قدر مسلم پاسخ به این پرسش‌ها بخش قابل توجهی از ابهامات را برطرف می‌کند و راه را برای گفت‌وگویی موثر همواره‌تر و بازتر می‌کند. مشخصا این مساله باید مدنظر قرار گیرد که امروز باید حاکمیت، دولت، چهره‌های سیاسی و حتی اقشار و لایه‌های مختلف مردم این باور را داشته باشند که تنها راه برون‌رفت از این شرایط و حل مشکلات و مطالبات مطروحه گفت‌وگو است. گفت‌وگویی که باید در درون حاکمیت و نهادهای، میان جریان‌های مختلف سیاسی، چهره‌های مطرح، در تلویزیون، دانشگاه و... شکل گیرد و برون‌داده‌ای برای حل مشکلات کشور داشته باشد. گرچه پیش از این نیز این نوع گفت‌وگوها طی سال‌های گذشته در گعده‌های مختلف سیاسیون چپ و راست انجام می‌شده و چهره‌هایی همچون سیدمحمد خاتمی، سیدحسن خمینی، حسن روحانی یا محمدرضا باهنر، محمدرضا عارف، مجید انصاری و... باهم گفت‌وگوهایی را برای چاره‌اندیشی در جهت ارائه راه‌حل‌هایی برای برون رفت از شرایط کشور داشته‌اند. اما به‌نظر می‌رسد که این بار باید سر و شکل منظم و چارچوب داری به این گفت‌وگوها داده شود و این تضمین نیز وجود داشته باشد که نتیجه آن مورد استفاده مجموعه حاکمیت و دولت در اداره امور کشور قرار گیرد و شاهد تغییر روندها طی چند مدت باشیم. اینگونه است که می‌توان هم با عملکردی درست به اقناع جامعه پرداخت و هم راه حل‌هایی عملی در جهت بهبود اداره امور و حل مشکلات کشور داشت.

**حوزه‌های سخت با راهبردهای نرم تعدیل شود**

وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در مورد جلسات خود با برخی فعالان سیاسی گفت: از دوستانی که گرایش سیاسی مختلف دارند باهم جلسات نسبتا ثابتی داریم، البته از وقتی که من مسئولیت گرفتم کمتر می‌توانم در این جلسه شرکت کنم اکثر اینها هم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند. در این جلسات دورهم می‌نشینیم در مورد مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی صحبت می‌کنیم که خیلی مفید است هم دیدگاه‌ها به هم نزدیک می‌شود هم قرائت‌ها و روایت‌هایی که در مورد یک پدیده واحد وجود دارد. عزت‌ا... ضرغامی اظهارکرد: معتقدم آدم باید حرف هم را بشنود و بتواند تصمیم متعادل بگیرد که تلاش می‌کنیم این مساله در این جلسات اتفاق بیفتد. این جلسات، جلسات خوبی است که محلش هم تغییر می‌کند هم در دفتر من تشکیل شده هم در دفتر آقای عارف هم در دفتر بقیه آقایان. همه باید باهم حرف بزنند بهترین راه برای حل مشکلات کشور گفت‌وگو است. وی یادآور شد: من شنیدم که هم آقای رئیس‌جمهور و هم آقای رئیس قوه قضائیه جلسات این چنینی را دارند که جریان‌های سیاسی مختلف می‌آیند با آنها گفت‌وگو می‌کنند این حتما می‌تواند به نزدیک کردن افکار کمک کند و مفید است. وی در این خصوص که در مورد وقایع اخیر هم دیداری با فعالان سیاسی داشته است، بیان کرد: در مورد وقایع اخیر هم یک جلسه داشته‌ایم که با همین اغتشاشات همزمان شد و با هم گفت‌وگو می‌کنیم. ضرغامی ادامه داد: به‌نظر من بسیاری از راهبردهایی که در حوزه سخت گرفته می‌شود، می‌تواند با راهبردهای نرم و اقدامات نرم تعدیل شود. در واقع ما چون در حوزه دوم کمتر کار می‌کنیم سختی کار می‌افتد روی دوش دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی. این چیزی است که فکر می‌کنم همه قبول دارند، همه وزرا قبول دارند و یکی دو بار هم که بحث شد همه روی این مساله تاکید کردند که ما در آن حوزه‌ها کم‌کاری داریم.

### اصلا بلد نیستیم باهم گفت‌وگو کنیم

مهمترین نیاز کشور گفت‌وگو است. نماینده تبریز در مجلس در مورد شکل‌گیری گفت‌وگوی ملی گفت: مشکل اساسی ما این است که اصلا بلد نیستیم باهم گفت‌وگو کنیم. در اداره، دانشگاه یا مجلس و هرجایی وقتی دانشجو، استاد دانشگاه یا نماینده مجلس حرفی می‌زند و طرف مقابل نمی‌تواند جواب بدهد. مسعود پزشکیان افزود: به این سادگی اصلاحات قابل انجام نیست؛ باید این علم را داشتند اگر این علم را داشتند باید افراد از نظر بنیه علمی، کارشناسی و مدیریتی منطق داشته باشند و اگر کسی اعتراضی دارد با منطق جواب آن را بدهند.

### تجدیدنظر در دولت!

دولت با حرکت در ریل فعلی موفق می‌شود؟ یک نماینده مجلس گفت: اشکالات و ایراداتی که در کار دولت وجود دارد به هر دو جنبه کار یعنی هم سیاستگذاری و شیوه مدیریت و هم کادر مدیریتی بازمی‌گردد، لذا هم نیاز است که تجدیدنظری در سیاست ها انجام شود و هم تغییرات در کابینه. ما طی ۱۵ ماهی که از عمر دولت سپری شده مشاهده کردیم که برخی از وزرا نتوانستند به‌خوبی با دولت و شخص رئیس‌جمهور در اجرای برنامه‌ها همراهی کنند. سیدکریم حسینی ادامه داد: اگر هم نارضایتی و یا ایراداتی به دولت وجود داشت به ویژه در مجلس، در وزارتخانه‌هایی بود که باید معیشت مردم و اقتصاد کشور را در اولویت اول قرار دهند.

### نسل جدید آینه گفتمان ما در خیابان‌هاست

تحولات اخیر در جامعه نشان می‌دهد که با تغییر نسلی که صورت گرفته امروز دهه هشتادی‌ها خواسته‌ها و مطالباتی دارند که در راه مطالبه‌گری آنها تلاش می‌کنند در این راستا یک نماینده سابق مجلس اظهارداشت: نسل جدید آینه گفتمان ما در خیابان‌هاست، همان کاری را در خیابان، مدرسه، دانشگاه و ... انجام می‌دهد که در خانه از نسل ما یاد گرفته است. این نسل را یک نسل جداشده تلقی نکنیم، این نسل همان رفتاری را در حال انجام دادن است که شبانه ما در گوش او زمزمه کرده‌ایم. جهانبخش خانجانی گفت: اگر بخواهیم با این مساله به گفت‌وگو بپردازیم حتما باید به انتخابات در سطوح مختلف نظر اساسی انجام دهیم.

گـــپ

امیررضا واعظی آشتیانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## سفر رئیسی به کردستان تلاش بدخواهان را ناکام می‌گذارد

**آرمان ملی:** رئیس‌جمهور به سفر استانی می‌رود. این بار مقصد سفر سیدابراهیم رئیسی کردستان است؛ استانی که به‌علت هم‌مرزی با عراق و عدم توجه دولت‌های مختلف در برخی از شهرهای خود با محرومیت‌هایی مواجه است. به‌نظر می‌رسد نگاهی تازه به مدیریت اقتصادی این استان نیاز است تا عقب‌افتادگی‌های کردستان جبران شود. سیدابراهیم رئیسی نیز بعداز فروکش‌کردن حوادث اخیر؛ کردستان را به همین منظور در دستورکار سفر استانی خود قرار داده است. محرومیت‌زدایی از برخی شهرهای استان کردستان موجب می‌شود که گروه‌های معاند نظام که تلاش می‌کنند در میان مردم نفوذ کرده و صفوف مردم را متزلزل کنند، نتوانند به مقاصد خود دست یابند. از این منظر آنگونه که اعلام شده سیدابراهیم رئیسی با بخش‌هایی از مردم در سفر به کردستان دیدار خواهند کرد و از سوی دیگر با علما، اندیشمندان و بزرگان کردستان نیز دیدارهای صورت خواهد گرفت. «آرمان‌ملی» به بهانه سفر رئیس‌جمهور به کردستان با امیررضا واعظی‌آشتیانی، فعال سیاسی اصولگرا به گفت‌وگو پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

**رئیس‌جمهور در شرایطی که برخی معتقدند سیاست‌های اقتصادی‌اش موجب اعتراض مردم شده، قرار است به کردستان سفر کند. ارزیابی شما از سفر سیدابراهیم رئیسی به کردستان چیست؟**

سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور همه اقوام ایرانی است. کرد و لر و بلوچ و عرب و ترکمن و.... یک رئیس‌جمهور دارند. یکی از مسئولیت‌های رئیس‌جمهور این است که به حوزه‌های مختلف به خصوص شهرهایی که اقوام در آن ساکن هستند، سرکشی کند و با مردم، علما و ریش سفیدان آن دیدار داشته باشد. در چنین دیدارهایی است مردم و علما مطالبات خود را با اولین مقام اجرایی کشور در جریان می‌گذارند. اقوام مختلفی در ایران وجود دارند و باید به نیازها و خواسته‌های آنها طبق قانون اساسی رسیدگی شود. خوشبختانه این اتفاق در دولت رئیسی درحال رقم‌خوردن است و آقای رئیسی از ابتدای دولت خود دیدارهایی با بزرگان در هر استانی داشته‌اند. از این منظر این سفر می‌تواند دستاورد خوبی برای مردم کردستان داشته باشد و در عین حال اگر مطالبه‌ای هم وجود دارد، شنیده شود.

**اینکه رئیس‌جمهور با نمایندگان بخش‌های مختلف مردم دیدارهایی خواهند داشت تا چه میزان در شرایط فعلی مفید است؟**

این دیدارها و گفت‌وشنودها بسیار اثرگذار است و در عین حال خنثی‌کننده توطئه‌های بدخواهان نظام است که به‌دنبال آن هستند که شهروندان «کرد» که سابقه آنها به قبل از اسلام می‌رسد و قوم ریشه‌داری هستند را با نگاه ویژه‌ای به ایران نشان دهند. دیدار مردم و بزرگان کردستان با رئیس‌جمهور آب پاکی بر روی دست بدخواهان نظام و ایران است. تمامی قومیت‌ها سال‌هاست تحت کشوری به‌نام جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنند. فرقی میان قومیت‌های ایران از نظر مقامات عالی نظام نیست، چرا که در رای‌گیری براساس قانون همه یک رای دارند. اتفاقا سفر رئیس‌جمهور می‌تواند اثربخش باشد و این سفر موجب خواهد شد بدخواهان ایران و نظام اسلامی به اهداف خود دست نیابند.

**از مرکز ایران هر مقدار به سمت مرزها حرکت می‌کنیم شاهد افزایش آمار بیکاری هستیم. با چنین شرایطی چه باید کرد و دولت رئیسی باید چه کند که شاهد کاهش محرومیت در گوشه گوشه ایران باشیم؟**

البته مشکلات اقتصادی و بیکاری مربوط به این دولت نیست. این دولت تنها چند ماه است که در قدرت قرار گرفته است. دولت جمع انباشت مشکلات گذشته در سایر دولت‌ها را پیگیری می‌کند. دولت‌های قبلی اشتباهاتی در تصمیم‌گیری‌ها خود داشته‌اند. کاهش فقر و محرومیت و ایجاد اشتغال نیازمند سرمایه‌گذاری است. دولت‌های گذشته اشتباهاتی در این زمینه داشته‌اند که شاهد شرایط فعلی هستیم. مساله رفاه موضوعی است که از سوی دولت‌های مختلف مورد غفلت قرار گرفته است. من قصد ندارم از دولت رئیسی حمایت کنم، اما باید نگاهی منطقی به مشکلات داشت. آقای رئیسی امروز وارث کمبودهایی است که توسط دولت‌های گذشته به ارمغان گذاشته شده است. البته اگر قرار باشد آقای رئیسی کمبودهای فعلی را برای دولت‌های بعدی به یادگار بگذار آنگاه ایران به توسعه متوازن دست نخواهد یافت. در عین حال مشکل عمده این است که اقتصاد ایران اقتصادی دولتی است و از یک اقتصاد دولتی نمی‌توان توقع داشت که به زوایای مختلف توسعه در تمامی بخش‌ها و استان‌ها برسد. دولت باید از توانمندی‌های بخش خصوصی و تعاونی استفاده کند. دولت نمی‌تواند تحرک کند چون چابکی لازم را ندارد. از این منظر است که همه از دولت با این وزن و مقدار پول توقع دارند سرمایه‌گذاری کند. در حالی که دولت وظیفه دارد شرایط را برای سرمایه‌گذاری فراهم کند تا بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری خود بدون اینکه مانعی داشته باشد اقدام به سرمایه‌گذاری کند. در هیچ جای دنیا دولت‌ها اشتغال‌زایی نمی‌کنند. دولت‌ها سیاست‌گذاری کرده و این سیاست‌گذاری موجب ایجاد سرمایه‌گذاری خواهد شد و اگر سرمایه‌گذاری صورت بگیرد هم تولید کشور رونق پیدا می‌کند هم اقتصاد پویا می‌شود و هم اینکه اشتغال ایجاد می‌شود. از این منظر بسیاری از مشکلات کنونی ریشه در اقتصاد سیاسی، دستوری و دولتی دارد و تا زمانی که این ساختار اصلاح نشود، نمی‌توان توقع داشت شرایط اقتصادی کشور بهبود یابد. دولت باید از ظرفیت‌های هر استانی به نفع توسعه همان استان استفاده کند. کردستان پر از ظرفیت‌های اقتصادی است که اگر موانع استفاده از آن توسط دولت برداشته شود شاهد بهبود وضعیت اقتصادی و خصوصا اشتغال در این استان خواهیم بود.